

توصیفات گوبینو از حکیم طهران

کریم مجتهدی گفت: گوبینو به متفکران ایرانی علاقه‌مند است و افکار آن‌ها را جستجو می‌کند. وی می‌گوید: حکیم طهران در ابتدا درس الهیات تدریس می‌کرد. پس از ترک آن هم حلقه شاگردانش در منزل او تشکیل شد.



کریم مجتهدی گفت: گوبینو به متفکران ایرانی علاقه‌مند است و افکار آن‌ها را جستجو می‌کند. وی می‌گوید: حکیم طهران در ابتدا درس الهیات تدریس می‌کرد. پس از ترک آن هم حلقه شاگردانش در منزل او تشکیل شد.

به گزارش خبرنگار مهر، یازدهمین پیش نشست همایش حکیم طهران با عنوان «مواجهه آقا علی مدرس (حکیم موسس) با جریان فلسفی غرب» امروز با حضور کریم مجتهدی، آیت‌الله فیاضی و آیت‌الله عابدی شاهرودی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تاخیر ۲ ساعته در حالی برگزار شد که برخی از مدعوین این برنامه در برنامه حاضر نشدند.

مجتهدی در ابتدای این مراسم با اشاره به گزارش‌های گوبینو کنسول فرانسه در قرن نوزدهم درباره سفرش به ایران گفت: گوبینو در کتاب‌هایش مطالب زیادی درباره ایران آورده و ما نیز خوب است که بدانیم دیگران درباره ما چه نظراتی داشته‌اند و نظرات آن‌ها را بشنویم.

وی با اشاره به اینکه گوبینو نخستین کسی نیست که درباره فیلسوفان ایرانی سخن گفته افزود: قبل از او در قرن ۱۷ شاردن در کتابش فصلی را به فلسفه حکمای ایرانی اختصاص داده است و طلبه‌ها را فیلسوف نامیده است. به گفته شاردن، آنچه که مفهوم غربی فیلسوف به معنای جوینده دانش و دوستدار حکمت است، همان طلبه‌های ایرانی هستند و در واقع طلبگی را نوعی فلسفه آموزی و پژوهش دانسته است.

این استاد دانشگاه گفت: گوبینو در قرن ۱۹ دو بار به ایران آمد. نخستین بار او در سال ۱۸۵۴ وارد ایران شد و به گفته خودش در کتاب «سه سال در ایران» می‌گوید وقتی که برای نخستین بار وارد بوشهر می‌شود از سفرش پشیمان می‌شود که این چه کشور لم یزرعی است. اما پس از سه سال وقتی می‌خواستم از ایران بروم گریه کردم. وی تأکید می‌کند آن چیزی که در ایران دیدن دارد و چشم‌نواز است روح، حکمت سنتی، عرفان، ادبیات، هنر و اعتقادات ایرانیان است.

مجتهدی گفت: در نظر داشته باشید که سال ۱۸۵۴ درست زمانی است که مساله شرق و شبه‌جزیره کریمه مطرح است و فرانسوی‌ها و عثمانی علیه روس‌ها در جنگ هستند و در واقع یک جنگ بین‌المللی در جریان است. از ملل شرق هم فقط عثمانی‌ها درگیر این جنگ هستند و به نظر می‌رسد که دوست فرانسه تشخیص داد که یک فرد مطلع و فرهیخته را به ایران بفرستد بنابراین به عقیده من گوبینو با یک ماموریت سیاسی به ایران آمد.

وی گفت: او درباره ایران چندین کتاب دارد. قبل از این‌که به ایران بیاید کتابی با عنوان «درباره عدم تساوی نژادهای انسان» می‌نویسد که در غرب غوغایی برپا کرد و تعارضاتی را در میان غربی‌ها به وجود آورد. اما اینکه آیا در این کتاب مشخص است که گوبینو به برتری نژادی قائل است یا خیر صریحا دیده نمی‌شود. با این وجود تاثیر نژاد انسان در فرهنگ در کتاب او مشاهده می‌شود.

این استاد فلسفه افزود: گوبینو در این کتاب مطرح می‌کند که ایران یکی از اصیل‌ترین اقوام تاریخ است. تاریخ برای او محل تقابل و تعامل اقوام است. در واقع داد و ستدهایی بین اقوام وجود دارد و تاریخ با توجه به این داد و ستدها نسل به نسل دیگر و قومی با قوم دیگر توجیه می‌کند.

وی با بیان این‌که گوبینو به متفکران ایرانی علاقه‌مند است و افکار آن‌ها را جستجو می‌کند، تصریح کرد: همان‌طور که گفتم گوبینو سه کتاب دارد یکی «سه سال در ایران» است. دومی «فلسفه‌ها و ادیان در آسیای میانه» است که به اعتقاد من مهمترین اثر اوست. او در این کتاب روی افکار و زندگی حکیم آقاعلی زنوزی کار کرده است و اسامی حکما و فلاسفه از صفویه تا عصر جدید و از ملاصدرا تا حکیم زنوزی را جمع‌آوری کرده است. گوبینو در این کتاب درباره زنوزی توضیحاتی را ارائه می‌دهد و می‌گوید که او در حال نگارش کتابی درباره تاریخ فلاسفه از ملاصدرا است. نسخه‌های دست‌نویس آقا علی زنوزی در کتابخانه استراسبورگ فرانسه موجود است.

مجتهدی تأکید کرد: زمانی که فهرست فلاسفه و حکمای ایرانی را که گوبینو جمع‌آوری کرده نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که به چه میزان وفادار به سنت ایرانی است. ما نباید اسیر گذشته شویم و باید آماده سازی برای آینده به کمک گذشته داشته باشیم چراکه کسی که هویت خودش را به باد می‌دهد آینده خودش را به باد داده است. بنابراین ما نباید اسیر تمدن غرب شویم اما نباید از پیشرفت هم ابایی داشته باشیم.

این استاد دانشگاه در ادامه افزود: گوبینو در کتابش حتی درباره چهره آقا علی زنوزی هم توصیفات داشته و او را شخصیتی برجسته، ضعیف‌الجثه، کوتاه قد، سبزه رو و باهوشی مافوق هوش متوسط شرح داده است. گوبینو می‌گوید: حکیم طهران در ابتدا درس الهیات را تدریس می‌کرد اما حتی پس از ترک آن هم از محبوبیتش کاسته نشده و حلقه شاگردانش در منزل او تشکیل شد. یکی از نوادگان فتح‌علی‌شاه، بدیع‌الملک میرزا پسر دولت‌شاه بود. او به حکمت علاقه‌مند بود و معلمان خوبی داشت. روزی او هفت سوال را طرح می‌کند و از حکیم طهران می‌خواهد که به آنها پاسخ دهد. سوال هفتم درباره فلاسفه غرب

است که حکیم طهران به صورت مختصر به آن پاسخ داده اما ۶ سوال اصلی او را حکیم طهران بسیار مبسوط و معقول به زبان فارسی شرح داده است که بسیار اهمیت دارد. پس از مرگ آقا علی زنوزی این هفت سوال با عنوان بدایعالحکم چاپ سنگی شد.

وی در پایان گفت: پس از آن دوباره بدیعالملک میرزا این ۷ سوال را به ۱۷ سوال افزایش داد و آن‌ها را حکیم علی اکبر مدرس یزدی پرسید. البته به اعتقاد من این ۱۷ سوال باز به همان ۷ سوال قابل بازگشت است با این تفاوت که پاسخ‌های حکیم مدرس یزدی نشان می‌دهد که آشنایی بیشتری با فلسفه غرب داشته است. مکاتبه میان حکیم طهران و بدیعالملک میرزا خواندنی است.